

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین وصلى الله على سيدنا رسول الله و آله الطيبين

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

یک بحثی را مطرح کردیم به عنوان این که کتاب رجال در عبارت نجاشی ممکن است مراد فهرست باشد خوب البته خوب بحثی است که چون ندیدم من هم آقایان متعرض بشوند مخصوصا فرض کنید مثلا به احمد برقی کسی فهرست نسبت نداده در این کتاب هایی که ما دیدیم و اینکه حالا مثلا بگوییم در نجاشی این جور آمده در فلان جا این جور آمده به نظر من خیلی هم کفایت نمی کند این باید ریشه های مطلب را در این جور موارد ، همه ی موارد نه این جور موارد دنبال آن ریشه ها و تحلیل اساس کار باشیم .

عرض کردیم تحلیل اساس کار اصولا در فهرست نجاشی و شیخ بیان همان مصدري است که بر آن اعتماد کردند آن مصدر را باید نگاه کرد و ارزیابی خود آن مصدر و ارزشی که خود آن مصدر دارد بینیم آن مصدري که این مطالب را نوشته چون گاهی اوقات و گاهی اوقات هم نه نسبتا هم زیاد است شیخ با مرحوم نجاشی اختلافشان در حقیقت در مصدر کلامشان است این یک کتاب نسبت می دهد آن یک کتاب دیگر از دو راه مختلف یعنی یک راه مختلف نیست و لذا این بحثی هم که آقا علیرضا گفتند اعتبار سنجی خواهی نخواهی وقتی ما تحلیل کردیم اعتبار سنجی هم خودش در می آید دیگر احتیاجی به بحث اعتبار سنجی هم ندارد . یعنی معین می شود که آیا اعتبار دارد یا ندارد . خوب اولین مصدري که کتاب های برقی را نوشته آن که الان دست ما موجود است فهرست ندیم است که قبل از شیخ و نجاشی بوده و هر دو هم گاهی از آن نقل می کنند در فهرست ندیم بیاورید احمد بن ابی عبدالله البته فهرست ندیم چون طریق و سلسله ی به اصطلاح اجازه را نقل نمی کند عرض کردیم فهرست ندیم اگر ارزشی داشته باشد حالا اگر هم بگوییم حالا قبول بکنیم کتاب هایی را ایشان نام می برد چون ایشان شیخ الوراقین در بغداد بود رئیس سندیکای چاپخانه ها و انتشاراتی بغداد بود رئیس دایره های انتشاراتی بود ، انتشاراتی ها رئیسشان این آقای ندیم است نهایتش این است که ایشان کتبی را نام برده که این کتب در بازار موجود بوده یعنی ایشان احسنتم .

اگر مثلا نام نبرده اگر اسم نبرده یا کتابی را اسم برده آن ارزشیابی علمی و اعتبار سنجی حوزوی ما را ندارد در بازار چه حالا موجود بوده در بازار برداشته اسم برده به حسب آن که در بازار موجود بوده است .

یکی از حضار : نقل نجاشی و شیخ دلیل اعتبار و اعتمادش است ؟

آیت الله مددی : بله آن ها چون سند دارند آن ها دلیل اعتماد می شود ؟

یکی اش اولش که ندیم است رحمة الله علیه ، در فهرست ندیم بیاورید اسامی کتب برقی را برقی پسر را اصطلاحاً احمد برقی پسر است محمد برقی پدر است ، برقی پسر را که ایشان آورده .

یکی از حضار : برقی را با نام پدر آورده بعد در ادامه که ابنه احمد بن ابی عبدالله وله من الکتب کتاب الاحتجاج ، کتاب السفر ، کتاب البلدان اکبر من کتاب اییه .

آیت الله مددی : کتاب رجال نسبت نداده ؟

یکی از حضار : خیر .

آیت الله مددی : طبقات یا رجال به پدر نسبت داده است ؟

یکی از حضار : بله ، له کتاب طبقات الرجال و قرائت بخط ابی علی بن همام قال کتاب محاسن برقی یحتوی علی نیف و سبعین کتابا و یقال علی ثمانین کتابا و کانت هذه الکتب عند علی بن همام بعد شروع می کند کتاب هاش را کتاب المحبوبات کتاب المطبوعات کتاب الطبقات الرجال .

آیت الله مددی : برای پدر ؟

یکی از حضار : بله

آیت الله مددی : نه محاسن که برای پسر است معروف است برای پسر است .

یکی از حضار : این هشتاد تا را جزء جزء نام می برد بعدش .

آیت الله مددی : بله دیگر به فهرستی که نزد ابو علی ابن همام بوده محمد بن همام بغدادی ایشان از بزرگان اصحاب است فوق العاده بزرگوار و جلیل القدر است و از چه کسی نقل کرده قبلش هم مرد بزرگواری است یکی دیگر هم گفتید . قبل از ابو علی بن همام یکی از حضار : نبود .

آیت الله مددی : ابو علی بن همام اسمش محمد بن همام به نظرم بعدش ابی بکر بن سهیل بن فلان است .

علی ای حال ایشان ابو علی بغدادی متوفای ۳۳۶ است مرد بسیار بزرگواری است بسیار جلیل القدر است خیلی یکی از کسانی است که در حفظ میراث های شیعه خیلی اهتمام داشتند هم بر اصول و مصنفات و کذا نسخه ای که ایشان نقل می کند می گوید هشتاد نسخه کتاب اما از یک نسخه ی دیگر معلوم می شود که هفتاد و دو کتاب آن وقت رجال را جزو همین کتاب قرار داده طبقات الرجال اولاً ایشان اشتباهی که کرده این را به پدر نسبت داده واضح است که برای پسر است و اسم کتاب را هم یکی آورده طبقات الرجال یعنی ایشان یک کتاب آن

وقت وقتی نگاه می کنیم چون کتاب خود ندیم در تقریباً سیصد و به نظرم هفتاد و هفت یا هفتاد و هشت یا هشتاد و هشت یک چنین چیزی وفات ابن ندیم در بغداد است البته ابن ندیم کاملاً واضح است که سنی است لکن چون حکومت آل بویه طرفدار شیعه بودند ایشان در این زمان یعنی مثلاً اسم علی را که می گوید علیه السلام می گوید و این به خاطر وضع حکومت و وضع سیاسی که حاکم بر عراق بود ایشان را خیال می کنند مثلاً شیعه باشد .

به هر حال کتابی است دارای ارزش فراوان نشان می دهد چه کتاب هایی در بازار آن زمان در بازار انتشارات وجود داشته از این جهت کتاب بسیار بسیار قابل استفاده است .

یکی از حضار : خاطر شریفان باشد آن جلسات هم که خواندیم اینجا یک خللی در نسخه هست به خاطر این که این چاپی که من الان دارم برای آقای تجدد این شکلی این جا چاپ شده است ، فرقان را همراهم ندارم . قرار بود این جا از فرقان چک بشود . ایشان نوشته البرقی ابو عبدالله محمد بن خالد بعد می گوید وله من الکتب کتاب التفسیر ، کتاب التبصرة ، کتاب المحاسن ، کتاب الرجال فیه ذکر من روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام این را می گوید بعد می گوید الحسن بن محبوب سراد وهو زراد من اصحاب مولانا الرضا و محمد ابنه وله من الکتب کتاب التفسیر ، کتاب النکاح ، کتاب الفرائض ، کتاب الحدود والديات وبعد می گوید قرائت بخط ابی علی ابن همام قال کتاب المحاسن للبرقی این وسط

آیت الله مددی : ظاهراً عبارت خلط کرده یعنی محاسن را

یکی از حضار : چون در بعد هم در ادامه که الان حسن بن محبوب را آورده و این ابو علی بن همام را آورده می گوید ابنه احمد این جا انگار نسخه یک بالا پائینی دارد .

آیت الله مددی : به نظر خرابی نسخه باشد .

به هر حال آن اگر یک کتابی به نام رجال داشته که ایشان نقل می کند خصوص کسانی است که از امیرالمؤمنین نقل کرده است اگر این درست باشد نیاورده بقیه را آن وقت طبقات الرجال را هم ذکر کرده است .

یکی از حضار : در محاسن

آیت الله مددی : آها در محاسن الان که در محاسن نیست طبقات الرجال .

یکی از حضار : باز هم یک کمی عجیب است چون که فرض کنید الان در کتاب محاسنش این کتاب هایی که ذکر کرده اصلاً به محاسن نمی خورد . کتاب التاریخ کتاب الاسباب

آیت الله مددی: البته این کتاب طبقات الرجال که ایشان دارد ممکن است همین طبقات باشد که الان اخیرا شما آوردید نسخه را به اسم طبقات چاپ شده آن وقت تاریخش ممکن است رجال باشد. چون الان خود این هم حالا بعد چون بعد می خواهم بگویم الان چون خود بخاری هم خود کتاب التاریخ الکبیر رجالش است رجالش تاریخ است اسمش ، اسمش تاریخ است اما رجال است چون ان شاء الله بعد عرض خواهیم کرد ما یک مشکلی دیگری هم داریم ابن عقده هم کتاب التاریخ دارد لکن نجاشی ما شاء الله از ایشان مطالب فهرستی نقل می کند. معلوم می شود یک چیزی ما بین رجال و فهرست بوده یک جوری باید حلش بکنیم و الا فهرستی را یا مثلا اجازه ای را به ابن عقده نسبت نمی دهند در این جهت یعنی الان ما از ابن عقده چیزی نداریم آن وقت هم نجاشی خیلی افراد دارد شرحش را بعدا عرض می کنم وقتی وارد کتاب نجاشی بشویم تفصیلش هست که آیا واقعا تاریخی را که ابن عقده داشته درش فهرست هم بوده یا نه. مثل این کتاب التاریخ والمعرفة هست که اخیرا برای ابو یعقوب فسوی چاپ کردند تا حالا چاپ نشده بود سه جلد بزرگ است دو جلد قطور است تازه چاپ شده ندیدید نمی دانم تا حالا چاپ نشده بود من تا حالا ندیده بودم از آن نقل دیدم خود کتاب را ندارم یکی از آقایان گفت من دارم اما من ندارم کتاب را اگر پیدا کردید برای ما هم بگیرید التاریخ والمعرفة برای همین ابو یعقوب فسوی ، یعقوب بن فلان ابو کذا ی فسوی انصافا هم خیلی لطایف دارد خیلی نکات دارد انصافا این کتاب ایشان فواید بسیار زیادی دارد این کتاب التاریخ من مقدارش را دیدم بعضی از این محققین معاصر برای توضیح از این کتاب التاریخ و المعرفة ایشان نقل کردند خیلی ، حالا شاید هم در اینترنت کل متنش موجود باشد.

یکی از حضار: هست دارم نگاه می کنم نوشته که دویست و هفتاد و هفت فوت کرده راوی نسخه هم ابن درستویه بوده است.

آیت الله مددی: خیلی واقعا کتاب فوق العاده ای است یعنی واقعا انصافا دویست و هفتاد و هفت یعنی چیزی در حدود بیست سال بعد از بخاری قدیمی است خیلی کتاب معلومات لطیفی دارد.

یکی از حضار: سه جلد است.

آیت الله مددی: بله سه جلد است انصافا می گویم من خودم کتاب را ندیدم یکی گفت من دارم یعنی معلوم می شود قم آمده به هر حال حالا یا مثلا سفر لبنان خریده یا به هر حال انصافا من هم از آن نقل دیدم بعضی از معاصرین ما اهل سنت که تحقیق می خواستند بکنند مطلب را از این نقل می کنند یک شرحی هم دادند که این کتاب تازه چاپ شده برای اولین بار چاپ شده یک شرحی هم دادند و انصافا هم مطالب بسیار نابی دارد انصافا یعنی حیف است این کتاب در شیعه مثلش نباشد این التاریخ والمعرفة را. من احتمال می دهم تاریخ ابن

عقده هم که بعد از این تاریخ است ابن عقده سیصد و سی و سه است این شاید متأثر به همین تاریخ بخاری و تاریخ همین آقا فسوی باشد .

علی ای کیف ما کان احتمالاً کتاب تاریخی هم که ایشان از نقل می کند به هر حال فعلاً بر اعتمادی بر نقل ندیم نیست یعنی ارزیابی بخواهیم بکنیم اعتبار سنجی بخواهیم بکنیم انصافاً اعتباری برایش نیست کتاب محاسن برای پسر است و واضح هم هست ایشان به پدر نسبت داده زیاد دارد عن ابیه عن ابیه به پدر نمی خورد یعنی کتاب اصولاً ، البته کتاب محاسن مشوهی دارد تشویه دارد انصافاً و احتمال می دهیم یک مقداری که نجاشی می گوید زید فیه و نقص شاید در اسانیدش هم کم و زیاد شده فقط در متن نیست ، به هر حال این کتاب محاسن احتیاج به یک شرح خاص خودش را دارد که دیگر جایش الان اینجا نیست باید بعدها و احتمالاً نسخ متعدد داشته است احتمالاً زید فیه و نقص برای مجموعه ی نسخ است چون ما بر ایمان روشن شده است که بعضی ها از این مثلاً از این محاسن نقل می کنند کسی دیگر نقل نکرده است اگر بخواهیم این حرف ها را بزنیم از بحث کلاً خارج می شویم . این شرحش بگذار تا وقتی دگر .

مصدر دومی که راجع به کتاب برقی داریم کتاب مرحوم شیخ طوسی است عبارت شیخ را در فهرست بیاورید ، این مصدر اول که ارزش چندانی پیدا نکرد و طبقات الرجال اسم برد که حالا این خودش هم باید ثابت بشود این اسم ، اسمش طبقات الرجال باشد یک رجالی هم نسبت داد که فقط عن امیر المؤمنین که خیلی عجیب است باید اسمش باشد رجال امیر المؤمنین این طوری مثلاً یا این اشتباه کرده به تسمیه من شهد الصفین با آن کتاب اشتباه کرده نمی دانم حالا به هر حال ، به هر حال فعلاً اعتماد بر این نوشتار خیلی ضعیف است بفرمایید ، شیخ طوسی بفرماید .

یکی از حضار: در این چاپ نشر اسلامی شماره ی ۶۵ احمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد بن علی البرقی ابو جعفر همه ی ترجمه را بخوانم ؟

آیت الله مددی : نه نمی خواهد له من الكتب .

یکی از حضار: وکان ثقة فی نفسه غیر انه اکثر رواية عن الضعفاء واعتمد المراسیل وصنف كتب الكثيرة منها المحاسن وغيرها وقد زید فی المحاسن ونقص

آیت الله مددی : این زید فیه و نقص احتمالاً نسخه ها بوده ، یعنی مثلاً اول محاسن را نوشته بعد از دو سال کم و زیاد کرده باز پخش کرده است باز بعد از سه سال کم و زیاد کرده است مثل همین چاپ هایی که الان مختلف هست مزید و محقق و منقح و کذا احتمال این است

یعنی الان و اینکه مثلاً بگوییم زید فیه یعنی دیگران رواه اضافه کردند اگر این باشد ارزش کتاب را می آورد پایین اگر زیاده و نقیصه از مولف باشد ارزش را نمی آورد پایین .

یکی از حضار: از عبارت برمی آید که خود مولف فقط زیده یعنی غیر از این اصلاً استفاده نمی شود .

یکی از حضار: آخر بعدش در ادامه دارد و من ما وقع الی منها

آیت الله مددی: نه زید فیه و نقص احتمال لذا بعضی ها هم این احتمال را گرفتند برای تضعیف خودش و کتاب اصلاً که این کتاب نسخه های متعدد دارد و بعضی از نسخ مثلاً جعلی است زیاد کردند نسخه را زیاد کردند مثل فرض کنید مفاتیح الجنان با حدیث کساء حالا اصل مفاتیح حدیث کساء درش نبوده است برداشتند حدیث کساء را اضافه کردند حالا اگر احتمال این باشد مشکل پیدا می کند مشکل است .

یکی از حضار: یک چاپ کربلا دیدیم آن ها در اعمال شب قدر حرم را آنجا اضافه کردند .

آیت الله مددی: غرض اینکه این دارد این زید و نقص را ما به نظرم اگر از خود مولف باشد مثلاً علی بن حسین سعد آبادی الان ما داریم که ایشان تا آنجایی که من دیدم دیگر نمی دانم حالا جای دیگر در کامل الزیارات غیرش هر جا روایت دارد از برقی است از غیر از برقی ندارد برقی پسر، اصلاً افراد دارد یعنی روات، البته در عدة من اصحابنا کلینی هم هست علی بن حسین سعد آبادی تصادفاً یک شبی یک جایی بودیم یکی از آقایان فضلالی معاصر که الان مریض است و بی حال است اسمش را نمی آوریم دیگر می گفت این نامه ای را که می گویند حضرت عسکری نوشته برای علی بن حسین بن بابویه پدر صدوق این اشتباه است این مراد این نیست چون دارد فقیهی وثقتی و شیخی و معتمدی این راجع به علی بن حسین سعد آبادی است . گفتم آن که بدتر است وضعش آن که اصلاً مجهول الهویه است هیچ شناختی نداریم .

سعد آباد هم این قم است ها نه سعد آبادی که حالا تهران است چون از اشعری ها سعد داریم سعد بن فلان سعد بن عبدالله از این طوری که از کتاب تاریخ قم معلوم می شود تقریباً این جور از حدود همین خیابان آذرو چهارمردان و از این رودخانه این سعد بن فلان قمی یک راهی کشیده بود از رودخانه تا حدود مثلاً آخرهای خیابان آذریا چهارمردان تا آنجا آباد کرده بود منطقه را اسمش را سعد آباد گذاشتند سعد آباد در قم این منطقه است این نهر آبی که این سعد اشعری کشیده بود این در تاریخ قم دارد این هم حالا غرض چون آقای بنائی هم قمی هستند به نظرم منزل شما همین حدود سعد آباد است همین چهارمردان است نیست؟ ایشان هم سعد آبادی هستند با این معنا . این سعد آباد قم است که سعد اشعری جوی آبی می کشد .

حالا به هر حال ایشان توثیق نشده و غیر از توثیق عجیب است این است که ایشان نقل ، مثلا عدة من اصحابنا ایشان یک نسخه ای از برقی نقل می کند که دیگران نقل کردند کلینی خیلی دقیق است بعضی جاها می گوید علی بن الحسین یعنی فقط علی بن الحسین نقل کرده حالا آیا اینها این کم و زیادهای خود علی بن الحسین است یا برای خود برقی است ؟ علی بن الحسین تضعیف نشده است در کامل الزیارات هم موجود است لکن عجیب این است فقط از برقی هستند بعضی ها که مثلا فقط از آشیش حسن نخودکی مطلب نقل می کنند از کسی دیگر هم نقل نمی کنند یک چیزهایی نقل می کنند که هیچ کس دیگری نقل نکرده است یک چیزهای عجیب و غریب هستند زمان ما هستند در همه ی زمان ها پیدا می شود مرحوم علی بن حسین سعدآبادی یک چیزهایی نقل می کند که فقط ایشان منفرد است ، من مثال زدم که معلوم بشود زید فیه و نقص که من عرض کردم مراد این است الان با اینها چه کار کنیم .

علیرضا می گفت اعتبارسنجی ما به جای اعتبارسنجی ریشه هایش را می گوئیم حالا ممکن است یک آقای قبول بکند یک آقای قبول نکند طبیعت مباحث اعتباری این جوری است دیگر ریشه ها را بیان می کنند این ریشه اش این است ایشان چیزهایی را از مرحوم برقی نقل می کند که کسی دیگر نقل نمی کند علی بن حسین سعدآبادی ، توثیق خاصی هم ندارد البته ایشان استاد کلینی هم بوده ادب ، ادب عرض کردم مودب الکلینی مودب به معنای آموزگار عرب اصطلاحا در زمان قدیم ادب چیزی بوده که موجب زیور و زینت و زیبایی می شده زیور آرایش ادب ، یا این آرایش در سخن بود ادب القول به آن می گفتند ادبیات صرف و نحو و اینها یا این آرایش در عمل بود ادب الفعل به آن می گفتند اخلاق ، اخلاق ادب الفعل ، ادبیات ادب القول است این که ایشان می گویند کان مودب یعنی مودب در ادبیات صرف و نحو و بلاغت و علوم بلاغت یعنی اینهایی که زیبایی کلام را ایجاد می کنند .

کاتب اصطلاح کاتب شغل اداری بوده آن مثل دیوانی بوده شغل دیوانی دخل و خرج را می نوشتند مالیات ها را می نوشتند ثبت و ضبط مالیات ها یک چیزی ما بین محضرهای ثبت اسنادی که ما داریم و ما بین اداره ی مالیات و یک چیزی ما بینها اینها را ضبط می کردند که اوضاع ، کاتب به عنوان منصب آن است اما این ادب این است .

و لذا در زبان فارسی هم ادبستان می گفتند که بعد تخفیف شد دبستان ، اصلش دبستان کلمه ای ادبستان چون در آنجا ادبیات و صرف و نحو و اینها را یاد می دادند مقدمات را یاد می دادند اما ما داریم یعنی الان ما یک مشکل را داریم که افرادی هستند منفردا این عبارت نجاشی شیخ که می گوید زید فی المحاسن یک مطلبی را من پریشم گفتم که من عمدا این مطلب را امشب اضافه می کنم بنا نبود امشب این مطلب را بگویم به زبانم جاری شد لکن عمدا گفتم چون عرض کردم الان آقایان یا نجاشی یا شیخ می گوید زید فیه و نقص این را تعبد می گیرند که ما تعبد به کلام شیخ که در کتاب محاسن کم و زیاد .

من سعی کردم نشان بدهم نه این واقعیت است تعبد نیست ، الان علی بن حسین سعد آبادی چیزی نقل می کند که دیگران نقل نمی کنند پس این زیده است . دقت فرمودید ؟ روشن شد ، یکی از کارهای اساسی من یکی از هنرهای اساسی من این تعبدهایی که تا حالا در حوزه بود می خواهیم برداریم تبدیل به تحقیق بشود بالفعل داریم بحث دیگر این بشود که حالا چه کار بکنیم اولاً عقل نظری بیاید این هست این زید فیه و نقص در کتاب عبارت شیخ طوسی تعبد نیست این هست این واقعیت است الان هم داریم مثالش هم مثال خدمتان عرض کردم در کتب متعددی هم هست هم با دیگران عدة من اصحابنا در کافی زیاد است خوب عن احمد البرقی عدة یکی اش هم علی بن حسین سعد آبادی است خود علی بن حسین سعد آبادی جزو عده است .

گاهی هم علی بن الحسین به تنهایی نقل می کند کسی دیگری نقل نمی کند ، اینها را اصطلاحاً می گویند زیده یعنی زیادی ایشان نقل کرد لکن این زیادی معنایش این نیست که ایشان اضافه کرده خوب دقت کردید ؟ حالا ایشان معلوم می شود نزد غیر از مرحوم برقی جای دیگری درس نخوانده هستند بعضی ها دیدید دیگر نزدیک استاد درس می خواند هر چه بلد است از همان استاد است گاهی اوقات مطالبی از آن استاد نقل می کند که کسی دیگر نقل نمی کند فقط همین چون این تخصص به همین استاد داشته ظاهراً ایشان فقط نزد همین برقی حاضر شده است .

لذا گاهی مطالبی را از برقی نقل می کند که دیگران نقل نکردند اما این معنایش این نیست که ایشان دروغ گفته این معنایش این نیست معنایش این است که خوب شاید نسخه ی مشهوری نبوده برقی این را نقل کرده بعد خودش برداشته است به اصطلاح جاهایی که ایشان تنها نقل می کند و مخصوصاً چون توثیق صریحی هم ندارد آقای خوئی توثیقش کردند به کامل الزیارات که از آن مبنا هم برگشتند چون توثیق صریحی هم ندارد نمی توانیم فعلاً مثلاً خیلی اگر واقعا افراد داشت یک مقدار روی افراد تامل می کنیم اعتبار سنجی که علیرضای من می گوید اعتبار سنجی یک توقفی باید کرد .

اما اینکه گفتند مودب کلینی بوده واضح هم هست که از مشایخ قم است از او نقل می کند کلینی از او نقل می کند دیگران از او نقل می کنند این خوب فی الجملة معلوم می شود آن طورضعفی ندارد که بگوییم نسبت به خودش بدهیم آیا می شود قبول کرد الان هم ما داریم افرادی هستند که خیلی تخصص دارند در یک آقای معین یک چیزهایی هم نقل می کنند که کسی دیگری نقل نمی کند رد نمی کنیم اما زود هم قبول نمی کنیم یک توقف مائی با شواهد می گوئیم با شواهد قابل قبول هست یا با شواهد قابل قبول نیست بفرماید آقا این هم کلمه ی زید فیه و نقص هم یک توضیحی داده بشود .

یکی از حضار : ما وقع علی منها بعد اسم کتابها را آورده است .

آیت الله مددی: خوب بخوانیم ببینیم بعد رجال و طبقات، عبارت شیخ در فهرست. چون من آقا عرض کردم اول ندیم چون در ۳۷۰ یا هشتاد و خورده‌ای چون مرحوم نجاشی اسم شیخ را برده و کتاب‌های ایشان را هم نوشته است نجاشی اسم شیخ را برده است اما شیخ اسم نجاشی را نبرده است و الا این طور که مشهور است وفات نجاشی قبل از وفات شیخ است وفات نجاشی را ۳۵۰ نوشتند البته مرحوم آقای تستری اشکال داشت خیال می‌کرد بعد از ۴۶۰ است اما به هر حال چون نجاشی کلمات شیخ را آورده است آثار شیخ در کتاب نجاشی هست عکسش نیست شیخ اسم نجاشی را اصلاً نیاورده است با اینکه واقعا جزو شیوخ شیعه است و خیلی بزرگوار است پدرش هم جزو شیوخ شیعه است. خیلی عجیب است شیخ اسم هر دو را نیاورده است. بفرمایید آقا.

یکی از حضار: کتاب‌هایی که برده حالا مثل اینکه در رتبه‌ی چیز هم هست. کتاب المآثر والانساب، کتاب انساب الامم بعد می‌آید جلوتر می‌گوید که این کتاب‌ها خیلی زیاد است بعد می‌آید می‌گوید که

آیت الله مددی: شاید همان خط ابو علی بن همام بوده ایشان نقل کرده است

یکی از حضار: آخرش که تمام می‌شود می‌گوید کتاب التاویل بعد می‌گوید و زاد محمد بن جعفر علی ذلک کتاب الطبقات والرجال کتاب الاوائل کتاب الطب اینجا کتاب الرجال یا طبقات دیگر مستقلاً ندارد طبقات الرجال بعد می‌گوید اخبارنا بهذه الكتب كلها وبجميع رواياته عدة من اصحابنا بعد می‌گوید منهم الشيخ اباعبدالله

آیت الله مددی: عرض کردیم عده‌ای از اصحاب هم نجاشی دارد جماعة من اصحابنا و هم شیخ دارد در فهرستشان آنهایی که در بغداد بودند و معروف بودند در کتاب شناسی یکی شان شیخ مفید است یکی شان ابن عبدون است یکی شان ابن غضائری پدر است و یکی دیگر هم به نظرم دارد اینها عدة من اصحابنا، ایشان می‌گوید منهم الشيخ محمد بن محمد که مراد شیخ مفید است منهم الشيخ است.

یکی از حضار: ابا عبدالله حسین بن عبید الله

آیت الله مددی: ابن غضائری پدر

یکی از حضار: احمد بن عبدون

آیت الله مددی: احمد بن عبدون هم عرض کردیم

یکی از حضار: و غیره

آیت الله مددی: و غیره عرض کردم این سه تا را گفتم ایشان وقتی می‌خواهد یک چیزی نقل کند عدة من اصحابنا ی فهرست این است ها این باز عدة من اصحابنا کافی است اینها را اشتباه با هم نکنید رجال را با فهرست اشتباه نکنید بفرمایید آقا.

یکی از حضار: این می گوید به سعد آبادی می رساند بعد می گوید اخبرنا هولاء الثلاثة عن الحسن بن حمزة علوی ، باز دوباره یک چیزی می گوید از آن حدثنا احمد بن عبدالله بن بیت برقی قال حدثنا جدی طریق سوم و اخبرنا هولاء من الشيخ ابا عبدالله وغيرهم عن ابی المفضل الشیبانی و طریق چهارم و اخبرنا ابن ابی جید عن المحمد بن الحسن بن ولید عن سعد بن عبدالله عن احمد بن ابی عبدالله بجميع كتبه و رواياته این چهار تا طریق

آیت الله مددی: ما شاء الله چهار تا طریق مفصل دارد از طریق ابی المفضل هم دارد ، این طرق خوب یکی یکی باید بررسی بشود طریق که زیاد است انصافا معلوم می شود خیلی این کتب در آن زمان در بغداد ، طبقات الرجال یک بار اسم برده است ؟ یکی از حضار: بله آن هم در اضافات محمد بن جعفر .

آیت الله مددی: خوب می دانید محمد بن جعفر ان شاء الله تعالی امشب هم می گوئیم بخوانید دیگر نمی خواستیم الان بخوانیم ، ابن بطه ، ابن بطه ی معروف محمد بن جعفر است در کتاب ابن بطه طبقات الرجال آمده است و مراد از کتاب ابن بطه فهرست ابن بطه است که ایشان طبقات الرجال ، خیلی عجیب است و شیخ از این مشاهیر اصحاب که نقل کرده کتاب رجال یا طبقات را ذکر نکرده است خیلی عجیب است این خیلی عجیب است یک رجال مرحوم کتاب ندیم دارد که خاص اصحاب امیرالمؤمنین است طبقات الرجال را آنجا هم دارد این جا طبقات الرجال را فقط به ابن بطه نسبت داده به محمد بن جعفر بن بطه ، به ایشان نسبت داده است این برای ایشان خیلی خوب برای ایشان هم روشن می خواهید شرح اجمالی طرق را عرض بکنم ، طریق اول را بگوئیم عدة من اصحابنا حالا منهم کذا بعد ، طریق اول را چهار تا طریق بود .

یکی از حضار: احمد بن محمد بن سلیمان زراری

آیت الله مددی: این احمد بن محمد این ابو غالب زراری است این از فهرست ابو غالب زراری است ، یکی از کتاب هایی که در بغداد در اختیار شیخ و نجاشی بوده همین کتاب فهرست من اسمش را فهرست گذاشتم اسم کتاب فکر می کنم ، ایشان یک تاریخی را از آل زراره دارد که چاپ کرده هم آقای جلالی تحقیق خوبی هم کرده به نظرم جایزه هم گرفته است کتاب سال شده است و آقای ابطحی هم چاپ کردند تاریخ آل زراره این یک کتابی ایشان دارد آن وقت آخر کتابش یک لیستی می دهد ثبت به قول آن قدیمی ها یک لیستی می دهد از کتاب هایی که در کتاب خانه اش موجود بوده اجازه می دهد به نوهی خودش ، نوهی خودش هم دو ساله بوده است آن وقت بعد می گوید کتاب فلان ، کتاب فلان ، همین طور اجازه می دهد ، کتاب ابن ابی عمیرش شش جلد است کتاب فلان ، کتاب هایی که در کتاب خانه اش بوده است .

این فهرست اسمش را من گذاشتم این ابو غالب زراری در اختیار شیخ و نجاشی بوده و توسط شیخ مفید و دیگران نقل کردند یعنی عده‌ای از مشایخ بغداد از ابو غالب زراری این را نقل کردند و انصافاً کتاب بسیار نافع است خیلی نکات لطیف و ظریف و قشنگی دارد با اینکه چاپ کردند دو چاپ به نظرم هنوز ظرافت‌هایش به حساب ،

حسین بن عبید الله الغضائری هم یک مستدرکی دارد آن هم چاپ کردند با آن ، به هر حال کتابی است که یا ابن نوح است نمی دانم حسین بن عده ابن نوح یک مستدرکی هم برش دارد که با آن چاپ کردند که آن هم کتاب بسیار نافع است این طریق اول ایشان به فهرست ابو غالب زراری بفرماید .

یکی از حضار : ابو غالب را اولین مجیز حساب بکنیم اجازه ،

آیت الله مددی : به این مشایخ بغداد چون ایشان درکش نکرده است شیخ و نجاشی ، سیصد و پنجاه و خورده‌ای سیصد و شصت است .

یکی از حضار : به نوه‌اش دیگر جزو اجازات و این را اجازات حساب بکنیم ؟

آیت الله مددی : بله به کوچک‌تر هم اجازه می‌دادند به یک ماهه هم اجازه می‌دادند ، در دادن اجازه سن شرط نبود وقتی که می‌خواست خبر بدهد باید بالغ باشد اصطلاحاً حشان این بود و لذا قرب اسناد از اینجا درست می‌شد کسانی که پدران‌شان جزو شخصیات بودند بچه‌ی یک ماهه را می‌برد نزد یک شیخ مثلاً نود ساله یک اجازه از او می‌گرفت بعد این می‌شد هشتاد ساله ، صد و هفتاد سال را طی می‌کرد آن وقت اینها اواخر حیات‌شان غالباً قرب اسناد می‌نوشتند این قرب اسناد برای این است اصلاً تشکیل قرب اسناد از این راه است .

یکی از حضار : سه طبقه می‌شود یک طبقه

آیت الله مددی : سه طبقه چهار طبقه می‌شود یک طبقه .

یکی از حضار : صد و هشتاد سال را یک نفر نقل می‌کند .

آیت الله مددی : خوب من الان قصه‌ی همین آقای آخوند و اینها را نقل کردم برای شما آقای مرعشی برای من ، من از ایشان شنیدم سال هزار و سیصد و بیست و هفت الان صد و هجده سال قبل است .

یکی از حضار : آقای مرعشی خودشان از آخوند شنیده بودند .

آیت الله مددی : آقای مرعشی خودش حاضر بود گفت من آنجا بودم آخوند خود ایشان به من گفت ، گفت من با پدرم رفتم گفت من سیزده یا چهارده ساله بودم چند بار نقل کرد لکن من عرض کردم ظاهراً دوازده ساله بوده چون درشت بوده هیکلش چون ایشان متولد پانزده

است ایشان خودشان متولد پانزده هزار و سیصد و بیست و هفت دوازده ساله باید باشد نه سیزده و چهارده ساله ، ایشان من از خودشان شنیدم گفتم سیزده ، چهارده ساله با پدرم رفتم آنجا .

یکی از حضار: من شنیدم ایشان گفتند که درس آخوند رفتم درسش هم وقف بود

آیت الله مددی: نه به من گفت رفتیم آنجا و طلبه ها آمده بودند و به آخوند حمله می کردند که شما دستور اعدام دادید اعدام شیخ فضل الله ایشان بعد از اعدام شیخ فضل الله گفت رفتیم آنجا و می گفت هنوز قیافه ی آخوند در چشم من است که آخوند به شدت نفی می کرد می گفت من نه همچین حرفی این برای صد و هفده سال قبل است من در زمان جوانی از آقای مرعشی شنیدم ایشان هم در زمان دوازده سالگی خودش دیده است دقت کردید بنده شاید بیست و یکی دو سالم بود که از آقای بجنوردی شنیدم حدود هشتاد سالشان بود ایشان فرمودند من حدود بیست ساله بودم از ادیب ، ادیب اول شنیدم ایشان هم حدود هشتاد سالشان بود ادیب می گفت من حدود بیست ساله بودم از پدرم شنیدم که حدود هشتاد سالش بود این حدیث مسلسل به هشتاد که من یک قهوه خانه داشتم به نظرم در همان قوچان همان نیشابور و اینها و یک شب یک مردی آمد خیلی تتومند و اینها آمد داخل قهوه خانه گفت چه داری گفتم گردو گفت بیاور مثلاً گردو را می اندخت در آتش داغ که می شد می شکست و می خورد با نان و اینها گفت جای من را بیرون پهن کن حالا سرد هم بود بیرون قهوه خانه جایش را پهن کردم خوابید صبح که بلند شد یک چیزی خورد مثلاً سوار اسب شد بعد گفت که من از این طرف می روم اگر لشکر آمد بگویم نادر از این طرف رفت . گفت منم افتادم فهمیدم این نادر شاه است یک شب نزد من مانده این نادر شاه است . خوب من این قصه را با سه واسطه نقل می کند با زمان ما ، نادر خودش قیامش هزار و صد و چهل هشت است ، سیزده سال بعد از هجوم افغانی ها ، افغانی ها را او بیرون کرد دیگر از ایران هزار و صد و سی و پنج افغانی ها به ایران حمله کردند نادر هزار و صد و چهل و هشت سیزده سال بعد اینها را ریخت بیرون بعد دنبالشان کرد رها نکرد رفت تا هند سر از هند در آورد تا دهلی رفت برای اینکه ریشه ی اینها را به اصطلاح دیگر کاری کند که اینها دیگر اصلاً برنگردند رفت همین جور تا دهلی البته در دهلی کشتار بدی کرد انصافاً دستور قتل عام داد یعنی بچه و کوچک و بزرگ و طفل شیرخوار و زن و مرد و همه را کشتند یعنی به او خبر دادند صبح بود که هندی ها علیه سربازان شما قیام کردند و سربازان شما را می کشند عصبانی شد گفت قتل عام بکنید هر کسی را رسید بکشید ، در کوچه خیابان هر چه بود بکشید زن مرد بچه کوچک تا نزدیک بعد از ظهر برداشت قتل را برداشت این یکی از نقاط بد تاریخ نادر است که به حساب دستور قتل عام داد البته می دانید چند هزار کیلومتر با ایران فاصله دارد یک کوتاهی کوچک می کرد تمام اوضاع ایران به هم ریخته بود دیگر انصافاً ، جنگ مشکلات این طوری هم دارد انصافاً بینی و بین الله .

به هر حال این قرب اسناد را می‌خواهم بگویم که سر قرب اسناد این است اصلاً این طوری قرب اسناد پیدا می‌شده است. علی ای حال یکی اش این است ایشان از چه کسی نقل می‌کند بفرمایید؟ ایشان از علی بن حسین سعد آبادی هم به نظرم نقل می‌کند از ابن همام هم نقل می‌کند.

یکی از حضار: عرض کردم حدثنا مودبی علی بن حسین

آیت الله مددی: اها سعد آبادی، این مودب یعنی آموزگار ادبیات، این مودب حدثنا مودبی همین علی بن حسین سعد آبادی لکن این مشکل علی بن حسین سعد آبادی این است که انفراد دارد یک چیزهایی از بقیه نقل می‌کند چون مثل اینکه خیلی فقط در خدمت برقی بوده با کسی دیگری نبوده است.

یکی از حضار: مکتب هم به معنای مودب به کار می‌رفته؟

آیت الله مددی: مکتب هم همان مودب است مکتب داشته است به اصطلاح، به قول ما می‌گوییم مکتب کتابت نوشتن یاد می‌داده آموزگار کتابت و اینها بوده نوشتن، نوشتن یاد می‌داده این هم مکتب معنایش همین مودب است، می‌گویم ایشان از علی بن حسین سعد آبادی نقل می‌کند کلینی هم از ایشان نقل می‌کند علی بن حسین سعد آبادی بفرمایید.

یکی از حضار: حدثنا احمد بن ابی عبد الله

آیت الله مددی: اما این درش طبقات الرجال نیست چون شیخ طوسی می‌گوید زاد ابن بطه در این طریق‌ها در این چهار تا طریق طبقات الرجال نبوده است. آن وقت این را اگر بخواهد درش شبهه‌ای بشود به خاطر همین علی بن حسین است که توثیق واضحی ندارد اگر بخواهد شبهه‌ای در این اجازه بشود و اشکال دیگر هم اشکال فنی ماست که اشکال فهرستی است که ایشان چیزهایی نقل می‌کند که دیگران نقل نکردند از این که مرحوم شیخ طوسی سندها را مکرر می‌گوید معلوم می‌شود این جاهایی را نقل کرده که متفق علیه بوده یعنی انفرادش نبوده است چون از این نقل می‌کند از دیگران هم نقل می‌کند نمی‌گوید نسخه‌ی این با آن فرق داشته است اختلاف نسخ را بیان نمی‌کند بفرمایید.

و حدثنا

یکی از حضار: و اخبرنا هولاء الثلاثة عن الحسن بن حمزة العلوی.

آیت الله مددی: این حسن بن حمزه علوی هم توضیح دادیم از مراعه‌اش است از سادات مرعشی‌هاست از شمال، این یکی از سلسله‌ی یکی از وسایط نقل میراث قمی‌ها برای بغداد است چون در ایران بوده یک سفری سیصد و پنجاه یا پنجاه و دو است ایشان به بغداد می‌آید مشایخ بغداد شیخ مفید و همین ابن عبدون و اینها از او نقل می‌کنند، نقل می‌کنند مصادر قم را، که یکی هم کتاب خود ابن بطه است

مرحوم نجاشی از این طریق نقل می کند کتاب ابن بطه را این مشایخ ثلاثه نجاشی هم از اینها نقل می کند این سند خوب است این سند هیچ مشکلی ندارد اما خود ایشان از چه کسی نقل می کند بعدش ؟ حسن بن حمزه از خود احمد ؟

یکی از حضار: نوهی برقی

آیت الله مددی: اها این نوهی برقی واضح نیست ، خاندان به اصطلاح ما این را توضیح دادیم اینها چون خاندان علمی بودند یک چیز شاید در حدود صد سال دویست سال نوهها یک چیزهایی بین خودشان داشتند اینها جزو مشایخ رسمی نیستند خود مرحوم صدوق یک مقداری آثار برقی را از این راه نقل می کند احمد بن عبدالله بن فلان بن فلان عن ایبه عن جده اینها خاندان برقی هستند این خاندان اینها توثیق ندارند دقت کردید لکن یک سیره ی عقلایی هست متعارف است می گویند آقا این مثلا خانواده ی فیض کاشانی است این خانواده ی فلان است اینها آثاری است که از جدشان به آنها رسیده پدرشان نقل کردند اینها را اینجوری یعنی اعتمادش روشن شد ؟ نکته این است که ایشان مستقیما از برقی نقل نمی کند از نوهی برقی نقل می کند که توثیق ندارد اگر بخواهیم توثیق را حساب کنیم که ندارد ، حالا یک اصطلاحی دارند عرض کردم این توثیق عام تا آنجایی که من چون اینها خیلی چیز است همه را تاریخش را می گویم برای اینکه اشتباه نشود از قرن دهم توسط شیخ شهید ثانی وارد مباحث رجالی ما شد ، که اگر کسی شیخ اجازه باشد این توثیق نمی خواهد به اصطلاح مشایخ اجازه مستغنون عن التوثیق .

مثل مراجع ، کسی راجع به مراجع نمی گوید ثقة آقای به عنوان مرجع که بین شیعه معروف شد دیگر توثیق نمی خواهد بیایم بگویم ثقة فلان وثقه این دیگر توثیق نمی خواهد آن وقت حسن بن حمزه چون مرد بزرگواری است از ایشان نقل کرده است خود همین نقل کفایت بکند دقت کردید ؟ و الا ایشان توثیق صریحی خود این مرحوم ندارد این که ایشان اسمش را برد استاد حسن بن حمزه ندارد بفرمایید آقا . پس این طریق سوم هم نق نقی درش دارد یعنی مشکلی درش دارد به خاطر این وجود نوهی برقی بفرمایید .

یکی از حضار: و اخبرنا هؤلاء الا الشيخ ابا عبدالله وغيرهم عن ابي المفضل الشيباني

آیت الله مددی: این ابو المفضل که اشکالش بیشتر است .

یکی از حضار: عن احمد بن جعفر بن بطة عن احمد بن ابي عبدالله

آیت الله مددی: این تازه خودش هم ابن بطه هم مشکل دارد آن وقت یعنی چهار طریقی که شیخ آورده است متأسفانه تمام این طور طریق آخر هم دارد دیگر یا همین چهار تاست .

یکی از حضار: و اخبرنا به ابن ابي جيد عن محمد بن حسن بن علي عن سعد بن عبدالله

آیت الله مددی: این طریقه خوب است، این نسخه‌ی ابن الولید است فهرست ابن الولید است، البته ابن ابی جید توثیق خاص ندارد لکن چون استاد نجاشی هم هست استاد شیخ هم هست و هر دو بزرگوار بر فهرست ابن الولید به نسخه‌ی ایشان اعتماد کردند انصافاً قابل اعتماد است ابن ابی جید این بهترین نسخه‌ای است که ما الان داریم این است الان، نسخه‌ای که از آثار برقی نزد شیخ هست این است آن وقت هم شیخ تصریح می‌کند ابن بطة طبقات الرجال را اضافه کرده است این برای ایشان است تمام شد؟ یکی از حضار: بله.

آیت الله مددی: خوب برویم باز عبارت نجاشی را بخوانیم.

پس معلوم شد در آن طریق چهار تا طریقی که شیخ نقل کرده مگر بگوید و زاد ابن بطة همان طریق سوم هم درش باشد در این سه تا طریقه مطمئن است همان طریق ابن الولید نه رجال هست نه طبقات هست نه طبقات الرجال هست. این که علیرضا می‌گوید ما راجع به اعتبار سنجی صحبت بکنیم روشن شد؟ وقتی مبداش را شناختیم تحلیل کردیم دیگر می‌توانیم تصمیم بگیریم دیگر. دیگر جای تعبد نداریم می‌دانیم این است اعتمادشان این را مرحوم شیخ طوسی دارد این را توضیح می‌دهد که آقا فقط در نسخه‌ی ابن بطة طبقات الرجال هست و این را هم ندیم معلوم شد در بغداد هم بوده یعنی این کتاب عملاً در خارج چاپ شده به اصطلاح طبقات الرجال. حالا بیاییم نجاشی رحمه الله، نجاشی دو کتاب نسبت می‌دهد کتاب الطبقات و کتاب الرجال دقت فرمودید؟ دو کتاب دیدید با آن فرق کرد کلاً بفرمایید.

یکی از حضار: وكان ثقة في نفسه يروي عن الضعفاء واعتمد المراسيل وصنف كتبها المحاسن

آیت الله مددی: البته این هست که این و اعتمد المراسيل این منشاء این می‌شود که افراد روی روایات او تأمل بکنند یعنی این طور نیست که مثلاً بگوید ثقة في نفسه ما قبول بکنیم نه قبول به لحاظ خودش به لحاظ راوی قبول می‌کنیم اما چون مراسيل را اعتماد می‌کند و یک مقدار مراد از مراسيل یعنی به نحو وجاده یعنی دیده کتاب را برداشته نقل کرده معلوم می‌شود باید در نقل‌های او تأمل کرد درست است یعنی مثلاً فرض کنید از یک کسی نقل می‌کند که نمی‌خورد به او خوب احتمالاً از کتابش باشد وجاده باشد. لذا خود این هم که اعتمد المراسيل، خودش هم یک نوع تضعیف است این معنایش این نیست که توثیق است.

یعنی بعبارة اخرى حالا اگر بخواهیم خیلی تأمل بکنیم گفت ملا نقطی صحبت کنیم رجالیاً توثیق شده اما فهرستیا چیزهایی که نقل می‌کند باید رویش تأمل کرد مصادرش خیلی واضح نیست مصداری که نقل می‌کند مصادر دقیقی نیست باید رویش تأمل کرد که قبول بکنیم یا نکنیم بفرمایید.

یکی از حضار: چرا مراسیل را مترادف با وجاده گرفتید اعم از وجاده است

آیت الله مددی: اعم از وجاده هم هست اما آن در جایی که مثلاً واسطه با ایهام بوده عن بعض اصحاب خوب ذکر شده اما وقتی می‌گوید عن فلان و این الانش هم این مشکل داریم یعنی الان بعضی از نسخ کتاب محاسن چون نمی‌خواستم الان این مطلب را شرح بدهم حالا اگر یک وقتی شرحش را دادیم. مثلاً این حدیث را از یک نفر نقل می‌کند همین حدیث با همین سند در کتاب دیگر آمده از همین برقی این واسطه‌ی این شخصی که در وسط هست ضعیف است اسم این برداشته شده است، سند را که نگاه می‌کنند خیال می‌کنند صحیح است الان این یکی از کارهای خیلی سنگین است الان دیگر نمی‌خواهم، تقریباً جزو رموز فن است. این یکی از کارهای خیلی یکی از حضار: هر کسی هم متوجه نمی‌شود.

آیت الله مددی: بله، خیلی اصلاً نه نوشتند نه به ذهنشان خطور نکرده که بخواهند متوجه بشوند که چه کارش بکنند.

اما به هر حال این هم یکی از رموز فن است فقط اشاره کردم اگر اوقاتی وقتی مناسبی دیدیم آن را توضیحاتش را عرض می‌کنیم. به هر حال مشکل دارد آن وقت مثلاً این شخص چون مرحوم صدوق گاه گاهی از محمد بن علی مثلاً صیرفی نقل می‌کند خیلی کذاب است اشهر الکذابين است آن وقت محمد بن علی صیرفی خودش تالیف ندارد خودش روایت ندارد مثلاً کتاب جمیل را نقل کرده من باب مثال کتاب حسن بن محبوب را نقل کرده است آن وقت مثلاً در محاسن آمده که برقی عن حسن بن محبوب اسم محمد بن علی افتاده است. یک احتمال دارد همان نسخه‌ی محمد بن علی است خوب آن ضعیف می‌شود یک احتمال دارد به نحو وجاده باشد چون از او اگر نقل نکرد برمی‌گردد به نحو وجاده عرض کردم کتاب محاسن برقی را یک وقتی ما آمدیم نشستیم یک کمی نگاه بکنیم که بشود درستش بکنیم دیدیم نه خیلی خرابی اش زیاد است در اسانید و اینها خرابی اش زیاد است خیلی باید چیز بشود کار فنی زیادی می‌خواهد انصافاً کار سختی است بفرمایید آقا.

یکی از حضار: یعنی اعتماد به مراسیل درست گفته است

آیت الله مددی: آها درست است انصافاً بفرمایید. به هر حال در روایات برقی باید به اصطلاح عرفی ما یک نیش ترمزی زد یک توقفی کرد که روشن بشود بعضی از روایاتش روشن بشود، بفرمایید.

یکی از حضار: و صنف کتب منها المحاسن وغيرها وقد زید فی المحاسن ونقص

آیت الله مددی: روشن شد؟ درست این مطلب ایشان هم درست است همان که شیخ معروف کرد، بله آقا. گفته شده عرض کردم چند دفعه نمی‌دانم در این بحث هم تا حالا من همین طوری افواهی شنیدم که آقای بروجرودی می‌فرمودند که فهرست نجاشی به منزله‌ی حاشیه

است بر فهرست شیخ از اینکه نجاشی بعد از شیخ است و کتاب های شیخ را دیده و نقل کرده این جای شک نیست اما اینکه فهرست باشد نمی دانم و سند روشنی هم به این مطلب ندارم اما بعید نیست اگر این مطلب درست باشد در اینجا نجاشی کلام شیخ را تایید کرده است یعنی می خواهد درست گفته شیخ مطلب را درست گفته است .

به هر حال با مراجعه ی وجدانی نمی خواهد بگوید قال زید قال عمرو چه گفته من کار به آنهائش ندارم با مراجعه ی وجدانی نجاشی خیلی حدیث شناس بزرگی است مرد فوق العاده ای است در شناخت حدیث و اینها انصافا در شناخت کتاب و مصادر حدیث خیلی فوق العاده است و در قواعد حدیث خیلی مقید است فوق العاده مقید است فوق العاده . نسبت به مرحوم شیخ که مثلا تقریبا تمایل به حجیت تعبیدی دارد فرقی خیلی زیاد است بفرمایید .

یکی از حضار: و قد زید فی المحاسن و نقص کتاب التبلیغ و الرسالة ، اینجا این جوری چاپ شده قبلش ندارد که اینها چیستند کتاب التعاطف و التراحم همین طور اسم می برد .

آیت الله مددی: کتاب الطبقات بعد آخرش هم کتاب

یکی از حضار: اینجا

آیت الله مددی: یا رجال را اول اسم می برد .

یکی از حضار: اول رجال است کتب مساجد الاربعه ببخشید کتاب الطبقات ، کتاب الطب ، کتاب الطبقات ، کتاب افاضل الاعمال ، کتاب اخص الاعمال ، کتاب مساجد الاربعه ، کتاب الرجال .

آیت الله مددی: ایشان نجاشی دیگر طبقات الرجال اسم نمی برد ، بفرمایید .

یکی از حضار: بعد می آید جلو تر و کتاب الشعر و الشعراء هم دارد که حالا در مورد اسماء شعراست بعد کتاب الاوائل ، کتاب التاريخ ، کتاب الانساب ، بعد اسم می برد که تمام می شود ، کتاب الروایة ، کتاب النوادر ، هذا الفهرست الذی ذکره محمد بن جعفر

آیت الله مددی: برگشت به ابن بطة ی قمی یعنی نوشت هذا الفهرست الذی ذکره ابن بطة اما عجیب است شیخ می گوید طبقات الرجال ایشان می گوید طبقات و رجال .

یکی از حضار: بعد فاصله هم می دهد .

یکی از حضار: بعد ایشان اضافه را از غیر ابن بطة نقل می کند و اذ ذکر بعض اصحابنا ان له کتبا و اخری آخر منها کتاب التهانیه کتاب التعازی کتاب اخبار الامم که اینها را شیخ در ذیل محاسن گفته است .

آیت الله مددی: خوب

یکی از حضار: و اخبارنا بجمیع کتبه الحسین بن عبید الله

آیت الله مددی: استادش است ابن غضائری

یکی از حضار: همان طریق است مودب سعد آبادی

آیت الله مددی: عن ابی غالب عن السعد آبادی

یکی از حضار: حدثنا احمد بن محمد ابو غالب الزراری قال حدثنا مودبی علی بن حسین سعد آبادی ابوالحسن قمی قال حدثنا احمد بن

ابی عبدالله بها

آیت الله مددی: خوب چرا ابن بطه را باز اسم نبرد؟ خیلی عجیب است طریق ابن بطه را اسم نمی برد.

یکی از حضار: فقط همین طریق را دارد.

آیت الله مددی: این نکته اش حالا نمی دانیم حالا همه ی مطالبش را،

اجمالا این است که عرض کردیم مرحوم شیخ طوسی راجع به ابن بطه هیچ چیزی نگفته اصلا کلا ساکت است، اما از او زیاد نقل کرده من یک وقتی نگاه کردم دیدم فهرستی را که این فهرست اسپرینگر چاپ کرده است در آخرش فهرستی را که اضافه کردند به نظرم صد و پنجاه مورد هست که ایشان از ابن بطه نقل می کند مرحوم شیخ طوسی رحمه الله علیه و نجاشی عجیب است نجاشی اصولا یکنواخت نقل نمی کند یک جاهایی روی ابن بطه اعتماد دارد یک جاهایی می گوید قال ابن بطه حدثنا، گاهی می گوید قال ابن بطه فقط ساکت می شود یک جاهایی می گوید قال ابوالمفضل قال ابن بطه حدثنا ابن بطه خیلی متغیر است نجاشی همین فهرست ابن بطه را که ایشان نقل می کند خیلی متغیر است.

این فهرستی را هم که ایشان الان نقل می کند می گوید در فهرست عادتاً باید بگوییم همان طریقی داشته که نجاشی بوده است حالا دیگر وارد بحث شدیم بحث را چیزش بکنیم شما محمد بن جعفر بن بطه را هم بیاورید یک کمی هم توضیح عبارت نجاشی را بدهیم.

یکی از حضار: کلا در این چاپی که الان شده اسم ابن بطه سیصد و پنجاه و سه بار به اسم ابن بطه آمده حالا به اسم محمد بن جعفر ممکن است آمده باشد اینها ذیلش گفته طرق فقط یک جایش که شاید چیز باشد دارد که

آیت الله مددی: ابن بطه به عنوان ابن بطه آورده نجاشی؟

یکی از حضار: نه فهرست شیخ طوسی را عرض کردم.

آیت الله مددی: شیخ طوسی به عنوان ابن بطة آورده است؟

یکی از حضار: در طریقی که آورده که مثلاً به کتاب‌ها زیاد اسم ابن بطة را آورده است.

آیت الله مددی: می‌دانم چند مورد است؟

یکی از حضار: به اسم ابن بطة ۳۵۳ بار اسم تکرار شده است.

آیت الله مددی: آهان من ۱۵۰ خیال کردم. خیلی زیاد است انصافاً مرحوم شیخ طوسی خیلی زیاد من اشتباه کردم ۳۵۰ می‌گویم روی آن فهرست حالا اشتباه در آن، من در شمردن چون پشت سر هم آورده شمردم با دست با انگشت شمردم.

علی‌ای حال انصافاً زیاد از او نقل می‌کند نجاشی ابن بطة را بیاورید حالا چون فعلاً وارد بحث شدیم چون یکی از فهارسی که در شیعه تأثیر گذار است قطعاً به خاطر اینکه شیخ این کار را کرده است فهرست ابن بطة است نمی‌شود انکار کرد حالا یک صحبتی هم راجع به این فهرست بکنیم چون بحث‌های ما شاید بعدها برسد و راجع به ابن بطة باید مستقلاً خیلی صحبت نکنیم. بگوئید آقا محمد بن جعفر. اینکه می‌گوید ذکره بهذا الفهرست یعنی همان طریقی که ایشان به ابن بطة دارد و این نکته را هم هنوز ما نتوانستیم حل بکنیم نجاشی از فهرست ابن بطة یک مطلبی نقل می‌کند شیخ هم نقل می‌کند از همان مصدر این حل نشد برای ما، همین جا هم الان دیدیم شیخ می‌گوید گفته طبقات الرجال نجاشی می‌گوید طبقات و رجال

یکی از حضار: اگر به همین یک واو باشد قابل حل است.

یکی از حضار: نه دیگر به واو نبود فاصله داشتند.

آیت الله مددی: سه تا کتاب فاصله بود. کتاب الطهارة، کتاب، کتاب، کتاب الرجال. خوب موارد دیگر مثال هم می‌زنم عرض می‌کنم حالا نمی‌خواستیم وارد بشویم چند مورد دیگر مثال بزنیم، بفرمایید آقا. آن وقت این اعتبار سنجی‌ها از این جا روشن می‌شود آن وقت اگر بنا بشود که علیرضا می‌گوید، یعنی ما اگر بدانیم مرحوم نجاشی یک نسخه‌ی صحیحی لا اقل از نسخه‌ی

چون ابن بطة دو تا مشکل دارد یک مشکل خودش فی نفسه ضعف دارد کتابش مشکل دارد یک مشکل هم نسخه‌ی اوست نسخه‌ای که دارد مرحوم شیخ طوسی نسخه‌ی ابو المفضل دارد که نجاشی قبول نکرده مرحوم نجاشی نسخه‌ی حسن بن حمزه‌ی طبری مرعشی را دارد که از اجلاء اصحاب است این را ما توضیح می‌دهیم ان شاء الله یعنی در مورد ابن بطة یکی خود کتاب است یکی نسخه است مثلاً بگوئیم رجال کشی چاپ نجف رجال کشی چاپ هند یکی هم سر خود نسخه است مرحوم شیخ نسخه‌ای که دارد از طریق ابو المفضل که الان

من یک توضیحی هم راجع به این نسخه هم عرض می‌کنم اما نسخه‌ی نجاشی صحیح است و این نسخه‌ی ابوالمفضل در اختیار نجاشی هم بوده گاهی هم از آن نقل می‌کند اما روی آن اعتماد نکرده است .

دیگر بنا بود اینها را در فهرست ابن بطة شرح بدهیم حالا یک کمی همین جا یک مختصری چون توضیحات مفصلش را بعد ان شاء الله در شرح کتاب نجاشی عرض می‌کنم . بخوانید عبارت مرحوم نجاشی چون عین عبارات ، من همیشه عرض کردم این از الان می‌خواهیم عادت بدهیم عبارات نجاشی خیلی نجاشی هر کلمه‌ای را با دقت به کار می‌برد دقت کنید کلمه کلمه با دقت و با ظرافت خاصی به کار می‌برد شیخ این جور نیست یعنی کتاب نجاشی اضافه‌ی بردقت بر مطالب متن ادبی علمی دارد یک متنی است که در آن زمان در بغداد در قرن پنجم به عنوان یک متن خیلی برجسته‌ی علمی متن علمی خیلی قوی متن ادبی علمی قوی دارد اصلا متن ایشان یک متن مخصوصی است و لذا هم تعقیداتی دارد گرفتاری‌هایی دارد نکاتی دارد ظرافت‌هایی دارد و تعقیداتی . بفرمایید آقا .

یکی از حضار: مدخل ۱۰۱۹ محمد بن جعفر بن احمد بن بطة مودب ابو جعفر القمی

آیت الله مددی: مودب یعنی اهل ادب بوده است عرض کردیم اهل ادبیات و آموزش صرف و نحو و اینها واضح شد بفرمایید .

یکی از حضار: کان کبیر المنزلة قم کثیر

آیت الله مددی: این کبیر المنزلة ظاهراً مراد منزلت اجتماعی باشد یعنی اضافه‌ی بر جهات علمی اصلاً در قم شخصیتی بود شخصیت ، البته منزله یک امر اعتباری است اما ظاهراً کبیر المنزلة در قم خیلی عنوان داشت یک شخصیت اجتماعی بزرگی در قم داشت که به او به چشم احترام نگاه می‌کردند و شاید سر این که این کتابش با این اغلاطی که داشته جا افتاده به خاطر آن عظمت اجتماعی اش بوده آن نکات اجتماعی اش بوده که پوشانده بقیه‌ی عیوبش را پوشانده بفرمایید .

یکی از حضار: کثیر الادب و الفضل والعلم

آیت الله مددی: ببینید چقدر تعبیرش زیباست کثیر الادب یعنی در علوم ادب در نحو و بلاغت و ... بسیار متخصص بوده وارد بوده ، فضل اصطلاحاً در اصطلاح متدینین یعنی تاریخ و این جور چیزها چون حضرت می‌فرمایند انما العلم ثلاثة آیات محکمة و ما خلاهن فهو یعنی تاریخ و تراجم و اینها را ، ببینید کثیر الادب و الفضل والعلم مراد از علم در اینجا یعنی مطالب علمی که مبتنی است بر تفکر که عادتاً در آن زمان مثل فلسفه و کلام و اصول فقه یعنی ببینید کلمه کلمه باید معنا کنیم .

یکی از حضار: شامل حدیث نمی‌شده است ؟

آیت الله مددی: نه ، حدیث جدا بوده است .

کثیر الادب والفضل والعلم هر کدام یک معنا من عمدا گفتم که می خواهم معلوم بشود این مرد مرحوم نجاشی این قلم سنگین بسیار علمی در علوم ادب در تواریخ و تراجم و اینها ، اینها را اصطلاحا فضل می گفتند به خاطر همان احترام حدیث ما خلاهن . علم هم اصطلاحا مطالب علمی یعنی نه اینکه حدیثی باشد قواعدی را اعمال قواعد که شامل مثل فلسفه ، البته فلسفه ، کلام و اصول فقه . یعنی ایشان در مسائل علمی مثل اصول و فقه و کلام هم کثیر نه اینکه وارد بوده است . کاملا مسلط بر این سه مرحله بوده ، ادب ، فضل و علم کثیر الادب والفضل والعلم بفرمایید آقا .

یکی از حضار : وتساهل فی الحدیث

آیت الله مددی : در حدیث متساهل ، در ادب ، خیلی عجیب است ها آن وقت تساهلش در حدیث چه بود چون ما گاه گاهی عرض کردیم مثلا فلانی تساهل در حدیث در متن است گاهی تساهلش در حدیث در مصادر است دقیق نقل نمی کند مثلا از مصادر معتبر نقل نمی کند این تساهلش در حدیث چه بوده تساهلش در حدیث مراعات قواعد تحدیث را نکرده است . بعد می گوید يتساهل فی الحدیث آن تساهلش را توضیح می دهد یعلق الـ بخوانید .

یکی از حضار : فی الاسانید والاجازات

آیت الله مددی : این خیلی کار مشکلی است .

یکی از حضار : وفی فهرست ما رواه غلط کثیر

آیت الله مددی : اسانید گفتیم اسانید حدیث است اجازات برای کتب است جامعشان طریق است طریق به روایت راسند می گوئیم طریق را به کتاب اجازه می گوئیم ، دقت کردید ؟ مثلا فهمیده بوده که فرض کنید مثلا جمیل بن دراج کتاب دارد یک روایتی دید حدیثی مثلا احمد بن محمد بن عیسی عن حسن بن محبوب عن جمیل ایشان می آمد ، این روایت است در کافی است این روایت را برمی داشت می گفت جمیل له کتاب اخبرنا به احمد بن محمد بن عیسی عن حسن بن محبوب عن جمیل ، سند را برداشت و خیلی مشکل است .

دقت کردید چه می خواهم بگویم چون این عبارت واضح نبود تساهلش در حدیث در قواعد تحدیث است ، و لذا الان ممکن است بعضی از غربی ها عبارت را ببینید بگویند آقا این اصلا فهرست ابن بطه قابل اعتماد نیست کلا ۳۵۰ مورد کتاب در کتاب فهرست شیخ از دور خارج می شود . اما نجاشی می گوید غلط کثیر درست است اما درست هم دارد این طور نیست که همه اش غلط باشد نگفتم کل کتاب غلط است . روشن شد ؟ ایشان می گوید در ادب و در فضل و در علم خوب در منزلت اجتماعی خوب اما در قواعد تحدیث ضعیف است .

چون عبارت درست تا حالا به نظر من معنا نشده گفتم امشب بالخصوص بخواند و

یکی از حضار: بعید نیست که غلط‌هایش را نجاشی نقل کند یعنی آن جایی که نقل کرده

آیت الله مددی: ها لذا نجاشی احتمالا دیده شیخ طوسی از او نقل می‌کند آن‌ها را گفته غلط است آن‌ها را نقل نکرده است جاهایی که نجاشی انتخاب کرده درست‌ها بوده است. دقت کردید؟ روشن شد؟ پس ایشان ۵ نکته‌ی حالات ایشان را بیان فرمودند منزلت اجتماعی خوب، در ادب خوب کثیر، در فضل خوب در علم خوب در حدیث متساهل چون علم شامل حدیث می‌شود، روشن شد؟ و کان يتساهل فی الحديث و یعلق الاسانید بالاجازات، یا اگر یک مثلا این یک دو تا جور تعلیق می‌شود یا مثلا یک طریق به کتاب جمیل دارد یک حدیث در یک جا مرسل بوده روی جمیل سند خودش را به کتاب جمیل به این اضافه می‌کرد. دقت کردید چه می‌خواهم بگویم؟ حالا به این حدیث خیلی مشکل شد ملتفت شدید این حدیث به نحو وجاده است در یک ورقه‌ای به او رسیده است روی جمیل آن وقت ایشان کتاب جمیل را اجازه داشته از مشایخش به جمیل آن سند را برمی‌داشت به این می‌چسباند می‌کردش سند روایت.

یکی از حضار: چون معلوم نیست آن حدیث در این بوده است.

آیت الله مددی: قطعا نبوده نه اینکه معلوم نیست، روشن شد می‌خواهم چه بگویم.

یکی از حضار: پس بعدی را هم بخوانم

آیت الله مددی: حالا سعد بن عبدالله دارد

یکی از حضار: وقال ابن الولید محمد بن جعفر بن بطة ضعيف مخلطا فی ما یسندہ

آیت الله مددی: ببینید کان ضعیفا مخلطا فی ما یسندہ، ایشان تخلیط گرفته نجاشی توضیح، حالا ببینید یعلق را بخوانید یعلق

یکی از حضار: یعلق الاسانید بالاجازات وفی فهرست ما رواه غلط کثیر

آیت الله مددی: اینجا معلوم می‌شود که اسانید را به اجازات پس دو جور شد، یعلق الاجازات بالاسانید، یعلق الاسانید بالاجازات. یعنی مثلا یک روایتی می‌دید که مثلا کلینی از جمیل نقل کرده درش علی بن حدید است مثلا فرض کنید ضعیف است می‌آمد این سندی که در کتاب کلینی است برمی‌داشت آن طریق عامی که بر جمیل داشت اضافه می‌کرد به آن می‌گذاشت آنجا. روشن شد چه می‌خواهم بگویم؟ میان بر نه اصلا عوض می‌کرد. این الان در حوزه‌های ما متاسفانه به نظریه التعویض معروف شده است.

یکی از حضار: تعویض سند.

آیت الله مددی: و این را یک وقتی گفتند آقای خوئی در درس قبول داشته است ما از وقتی که رفتیم درس ایشان که نشنیدیم مثل اینکه آقای سید محمد باقر صدر شنیده که ایشان در حدیث رفع دارد آنجا هم دارد و هذه طريقة آن جا این طوری است که مرحوم صدوق از احمد بن

محمد بن یحیی عطار از سعد نقل کرده خوب این احمد توثیق نشده است ، ایشان می گوید چون صدوق طریق دارد به سعد مثلاً از طریق پدرش احمد را برمی داریم به جایش پدرش را می گذاریم سند درست می شود بعد نوشته و هذه طريقة حسنة لتصحيح طائفة من الروایات با این تدلیس و البته دیدم بعضی از آقایان از همین حاشیه زدند که این راه درست نیست یعنی چه طريقة الان مشهور شده در حوزه های ما متأسفانه .

اولاً تعویض اصطلاح من در آوردی است برای اهل فن نیست این اسمش تعلیق الاجازات بالاسانید و تعلیق الاسانید بالاجازات این اسم فنی اش این است . این کلمه ی تعویض .

یکی از حضار : رساله ی مستقل چاپ شده از این ، تعویض السند را بحث کردند .

آیت الله مددی : اولاً لفظ تعویض اصلاً اصطلاح نیست لفظ عرفی است به قول شما تعویض چرخ مثلاً ، این اصلاً من در آوردی است و این طريقة حسن خوب می گوید احمد عن سعد می گوئیم نه بگوئیم ابوه عن سعد خوب این را چه بگوئیم . البته این را کجا می گفتند آقای خوئی در جایی که مثلاً فرض کنید مثلاً شیخ وقتی ابن ابی عمیر را نام می برد خبرنی بجمیع کتبه و روایاته فلان عن فلان و این طریق صحیح است بعد شیخ فرض کنید در تهذیب یک حدیثی را نقل می کند که تا ابن ابی عمیرش ضعیف درش دارد تا قبل از ابن ابی عمیر مثلاً سهل بن زیاد مرحوم آقای خوئی می گفتند خیلی خوب این طریق ضعیف است لکن چون گفته خبرنی بجمیع کتبه و روایاته این هم از روایات ابن ابی عمیر است سهل را برمی داریم آن طریق را به جایش می گذاریم . معلوم شد چه می خواهم بگوئیم ؟

عرض کردم من خودم نشنیدم اما فکر می کنم مرحوم آقای خوئی نقل ، چون بعضی از شاگردان ایشان غیر از ایشان هم دیده بودم که این حرف را می زدند ، روشن شد چه می خواهم بگوئیم ؟ خبرنی بجمیع کتبه و روایاته مثلاً مشایخ از احمد اشعری عن ابن ابی عمیر مثلاً سند درست است آن وقت در تهذیب یک حدیثی است یا در کافی من باب مثال نداریم سهل از ابن ابی عمیر نداریم یک نفر ضعیف فرض کنید مثلاً عن فلان عن ابن ابی عمیر یک نفر ضعیف از ابن ابی عمیر می گوید این طریق ضعیف است الان لکن چون تمام روایات ابن ابی عمیر را با طریق صحیح نقل کرده است پس این طریق ضعیف را برمی داریم آن طریق عام را می گذاریم و حدیث صحیح می شود . یکی از حضار : این مشککش خیلی کمتر از آن شکل قبلی است .

آیت الله مددی : این تعویض همین است دیگر ، ایشان برداشت اسمش را گذاشت تعویض .

این مشکل اولش این است که اساساً ، چون یک آقایی گفت من گفتم یرد علی اولاً ثانیاً ، این اولاً ثانیاً نمی خواهد اولاً مراد از کلمه ی کتبه یعنی نوشته های خودش ، روایاته یعنی کتب اصحاب . این روایت به معنای روایتی که ما الان داریم خیال می کند این روایت که الان مقابل

ماست . یعنی ابن ابی عمیر هم خودش نوشتار داشته هم کتب اصحاب کتاب جمیل را نقل کرده کتاب عمر بن اذینه این را اصطلاحا گفتند روایت ، روایت مراد این است اصلا نه اینکه این روایت واحده که اینجا هم سندش ضعیف است مراد این باشد اصلا اینها ملتفت نشدند بعد هم به قول آن آقا ، نجفی ها چون عادت به این اشکال دارند اشکال دور هم لازم می آید به قول آقایان چون این که این روایت آن است از کجا شما اثبات کردید آن و اخبارنا بجمع کتب آن جا می گوید روایاتی اول باید ثابت بشود روایاتش چیست ؟ اینجا چون سند ضعیف است ثابت نیست روایات اوست . با عنوان خبرنی بکته و روایاته موضوع را ثابت می کنید .

یکی از حضار : مثل تمسکه به آن در شبهات موضوعیه

آیت الله مددی : اها در شبهات موضوعیه است یا دور لازم می آید دقت کردید ؟

دیگر حالا این به اسم نظریه ی تعویض ، دقت کردید چه شد ؟ خدا نکند که کسی نسبت بدهد به علمای ما که این کار را کردند این خیلی مشکل است ها .

یکی از حضار : همین که مقید بودند تذکر دادند

آیت الله مددی : و کان یتساهل فی الحدیث یعلق الاسانید بالاجازات عرض کردیم دو تاست تعلیق ، حالا نمی خواستم وارد بشوم دیگر حالا امشب حالا آقای علیرضا یک مقدار ، امشب دیگر راجع به فهرست ، این مشکل فهرست ابن بطه این اگر باشد آقا خیلی مشکل است . بعد آن می گوید مخلط است مخلط معنایش این است که جابجا می کند یعنی مثلا احمد بن عیسی را کرده احمد بن محمد ، خلط کرده بین مثلا محمد بن عیسی بن عبید با محمد بن عیسی اشعری مخلط یعنی جابجا کرده اما عبارات مرحوم نجاشی دقیق تر است بحث جابجایی نیست بحث مساله ی تعلیق الاسانید بالاجازات است . مشککش بیشتر است .

بعد یک عبارت هم سعد دارد نه ؟

یکی از حضار : می گوید که فقط طریق را می گوید خبرنا

آیت الله مددی : نه عبارت ابن الولید را یک بار دیگر بخوانید .

یکی از حضار : کان محمد بن جعفر بن بطه ضعیفا مخلطا فی ما یسنده .

آیت الله مددی : یک عبارتی هم به نظرم از سعد بن عبدالله نقل می کرد .

یکی از حضار : بعد کتاب تفسیر اسماء الله دارد می گوید و صفی ابوالعباس بن نوح و قال هو کتاب حسن کثیر الغریب سدید بعد هم طریقش را می گوید از ابن نوح از حسن بن حمزه ی علوی است .

آیت الله مددی: بله ایشان طریقش ابن نوح فقط نیست جماعه من مشایخنا

یکی از حضار: می گوید اخبرنا ابوالعباس احمد بن علی بن نوح قال حدثنا حسن بن حمزه ی علوی الطبری

آیت الله مددی: وقت هایی که مرحوم حسن بن حمزه می آید به بغداد ابن نوح هم بوده است ابن نوح هست ابن عبدون هست ابن غضائری

هست شیخ مفید هست نجاشی از طریق اینها از حسن بن حمزه این طریق نسخه ی نجاشی خیلی خوب است. خود کتاب ضعیف داشته

اما نسخه ی ایشان خوب است شیخ رحمه الله نسخه اش هم مشکل داشته است. حالا اگر مایل باشید این مشکلات آن وقت گاهی می رسد

به مساله ی اعتبار سنجی به قول ایشان یک مثالی فردا شب برای اعتبار سنجی بزنیم دیگر خیلی خسته شدیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین